

بخش اول - تفکر و اندیشه

آب، نعمت بی نظیر خداوند، جلوه زیبایی و طراوت، مظهر پاکی و زلالی و عامل ادامه حیات است.

آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان است. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ». (انبیاء ۳۰)

به طور کلی آب، حیات بخش جهان مادی، از جمله ما انسان هاست. «لُنْحِي بِه بِلْدَةَ مِثًا». (فرقان ۴۹)

مفاهیم: نیاز طبیعی موجودات به آب / آب مایه حیات و اساس زندگی در جهان / ذکر نکات علمی اعجاز محتوایی.

حیات روح بشر

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ، إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» ای کسانی که ایمان آورده اید، دعوت خدا و پیامبر را

پذیرید؛ آنگاه که شما را به چیزی فرا می خواند که به شما زندگی حقیقی می بخشد. (انفال ۲۴)

مفاهیم: حیات روح انسان در گرو پذیرش دعوت خداوند و پیامبر است / اکسیر حیات حقیقی پذیرش دعوت خداوند

و رسولان الهی است / مخاطب آیه اهل ایمان / ارتباط با آیه «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول...» / پاسخ به نیاز کشف راه

درست زندگی / هدایت انسانها.

✓ کدام آیه شریفه، دست یافتن به اکسیر حیات روح بشر را تبیین می کند؟

(۱) «لِّلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَ زِيَادَةٌ...»

(۲) «وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَ حَفَدَةً...»

(۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ...»

(۴) «وَمِنَ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا...»

ریاضی خارج

۱۳۹۹

درس اول - هدایت الهی

احتیاج دائمی انسان به داشتن برنامه ای که پاسخگوی نیازهایش باشد و سعادت او را تضمین کند، سبب شده است که در طول تاریخ همواره شاهد ارائه برنامه های متفاوت و گاه متضاد از جانب مکاتب بشری باشیم.

نیازهای انسان

- غذا
- پوشاک
- مسکن و

نیازهای طبیعی و غریزی



- شناخت هدف زندگی
- درک آینده خویش
- کشف راه درست زندگی

نیازهای برتر



انسان همچون سایر موجودات زنده، یک دسته نیازهای طبیعی و غریزی دارد؛ مانند نیاز به آب، هوا، غذا و پوشاک. خداوند پاسخ به این نیازها را در عالم طبیعت آماده کرده و قدرت آگاه شدن از آنها را نیز به انسان داده است.

زمانی که انسان، از سطح زندگی روزمره فراتر رود و در افق بالاتری بیندیشد، خود را با نیازهایی که برآمده از سرمایه های ویژه ای است که خداوند به او عطا کرده است، روبرو می بیند. پاسخ صحیح به این نیازهای اساسی است که سعادت انسان را تضمین می کند و باعث رسیدن به آرامش می شود.

✓ خداوند پاسخ به کدام نیازها را در جهان خلقت آماده کرده است و پاسخ به کدام یک از نیازها سعادت انسان را تضمین می کند؟

خارج ۱۳۹۸

(۱) طبیعی - برآمده از سرمایه های ویژه ای که خداوند به انسان عطا کرده است.

(۲) بنیادین - برآمده از سرمایه های ویژه ای که خداوند به انسان عطا کرده است.

(۳) طبیعی - نیازهای دنیوی و اخروی که خداوند به انسان عطا کرده است.

(۴) بنیادین - نیازهای دنیوی و اخروی که خداوند به انسان عطا کرده است.

نیازهای برتر: دغدغه انسان های فکور و خردمند، جست و جوگر، بیدار و هوشیار و توجه گر به ارزش زندگی است.

✓ شناخت هدف زندگی (چراغ زیستن و خلقت)

انسان می خواهد بداند برای چه زندگی می کند؟ انسان اگر هدف حقیقی خود را نشناسد، یا در شناخت آن دچار خطا شود، عمر خود را از دست داده است. (سخن از چستی زندگی؟)

امام سجاد(ع) پیوسته این دعا را می خواند که: «خدایا، ایام زندگانی مرا به آن چیزی اختصاص بده که مرا برای آن آفریده ای.»

مفاهیم: شناخت هدف زندگی.

درک آینده خویش (زندگی پس از مرگ)

آیا زندگی انسان با مرگ تمام می شود، یا دفتر حیات او به شکل دیگری گشوده می شود؟ زاد و توشه سفر به جهان دیگر چیست؟ خوشبختی وی در آن سرا در گرو انجام چه کارهایی است؟ (سخن از جهان پس از مرگ و متعلقات به آن است)

روزها فکر من این است و همه شب سخنم (دغدغه مندی انسان)*** که چرا غافل از احوال دل خویشتم (سرزنش خویشتم)

از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود (شناخت هدف زندگی)*** به کجا می روم آخر نمایی وطنم (درک آینده خویش)

✓ کشف راه درست زندگی (سبک زندگی و چگونه زیستن)

راه زندگی یا «چگونه زیستن» ارتباط دقیقی با دو نیاز قبلی دارد و دغدغه انسانهای فکور و خردمند است. این دغدغه از آن جهت جدی است که انسان فقط یک بار به دنیا می آید و یک بار زندگی در دنیا را تجربه می کند. (بهره بیشتر از فرصت اندک زندگانی)

بنابراین در این فرصت تکرارنشده، باید از بین همه راه هایی که پیش روی اوست، راهی را برای زندگی انتخاب کند که به آن مطمئن باشد تا بتواند با بهره مندی از سرمایه های خدادادی به هدف خلقت برسد. بنابراین، یکی از سوالات اساسی انسان این است که راه درست زندگی کدام است؟ و چگونه می توان به آن دست یافت؟

مرد خردمند هنر پیشه را*** عمر دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن*** با دگری تجربه بردن به کار

مفاهیم: کشف راه درست زندگی / ارتباط با آیات «والعصر...» / ارتباط با آیه «استجیبوا لله و للرسول» / دغدغه اصلی انسان فکور و خردمند، کشف راه درست زندگی است.

درس دوم - تداوم هدایت

خداوند با لطف و رحمت خود، ما انسان ها را تنها نگذاشت و هدایت ما را بر عهده گرفت و راهی را در اختیارمان قرار داد، که همان راه مستقیم خوشبختی است.

تدبر در قرآن

۱- «خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود و آنچه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید، و در آن تفرقه نکنید.» (شوری ۱۳)

مفاهیم: آنچه خداوند بر پیامبران نازل کرده یک برنامه است و ماموریت مشترک پیامبران برپا داشتن دین واحد الهی و دوری از اختلاف و تفرقه در دین است / منشا واحد وحی در دین / دین الهی واحد و یکتاست / این آیات به بحث هدایت تشریحی پیامبران صاحب شریعت (نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و محمد) اشاره دارد / ارتباط با آیه «دین نزد خداوند اسلام است» / خداوند از پیامبران می خواهد تا در برپایی دین تفرقه نکنند / ارتباط با آیه «قد خلت من قبله الرسل ...» درس ۷ یازدهم.

۲- «قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت.» (آل عمران ۱۹)

مفاهیم: دین مورد قبول نزد خداوند اسلام است / اسلام به معنای تسلیم در برابر امر خدا (حقیقت دین) / نام همه ادیان اسلام است و پیامبران برای تبلیغ آن آمده اند و این انسانها هستند که دسته بندی کرده اند / اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) درباره دین اسلام به دلیل رشک و حسد پس از آگاهی از حقانیت آن راه مخالفت طی کردند / پاسخ به نیاز کشف راه درست زندگی.

۳- «(این دین) آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید.» (حج ۷۸)

مفاهیم: دین حضرت ابراهیم اسلام معرفی شده است / امت حضرت محمد در قرآن مسلمان نامیده شده اند / دین واحد اسلام است و ارتباط با شوری ۱۳ در مورد ریشه واحد وحی و دین / آیه خطاب به مسلمانان / پاسخ به نیاز کشف راه درست زندگی.

۴- «ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق گرا) و مسلمان بود.» (آل عمران ۶۷)

مفاهیم: حضرت ابراهیم حق پرست و تسلیم در برابر خداوند است / خطاب به یهودیان و مسیحیان در مورد یهودی و مسیحی نامیدن حضرت ابراهیم / اشاره به دین واحد و ارتباط با آیه «خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد...» / دین حضرت ابراهیم همان اسلام است و نزد خداوند دین مورد قبول اسلام است.

دین به معنای «راه و روش» است.

دین اسلام، راه و روشی است که خداوند برای زندگی انسان ها برگزیده است. بر اساس آیات قرآن کریم، خداوند یک دین برای انسانها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است، تا همان دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند. انبیا هم این فرمان را اطاعت کرده و مأموریت خود را با شایستگی انجام داده اند.

✓ آنجا که رشک و حسد، تابعی از آگاهی و موجب نافرمانی از امر خداوند متعال شود، پیام کدام آیه ترسیم می شود؟

انسانی داخل

۱۳۹۳

(۱) این دین (این پدران ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید.

(۲) خداوند از دین همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود...

(۳) وای در آن روز بر تکذیب کنندگان، همان ها که روز جزا را انکار می کنند. تنها کسی آن را انکار می کند که متجاوز و گناهکار است.

(۴) قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آنکه به حقانیت آن آگاه شدند...

فطرت مشترک ← منشأ دین واحد

فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است.

وقتی از فطرت انسان سخن می گوئیم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است و انسان ها با این ویژگی های خاص شناخته می شوند. انسانها در برخی خصوصیات همانند نژاد، زبان و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت هایی دارند، ولی همگان ویژگی های فطری مشترکی دارند.

ویژگی های فطری مشترک انسانها

تفکر و اختیار

دوستدار فضیلت های اخلاقی و بیزاری از رذائل

بی نهایت طلب در زیبایی و کمالات (نامحدود)

جست و جوی زندگی جاودانه و گریزان از نابودی

درس سوم - معجزه جاویدان

قرآن کریم، آخرین کتاب الهی است که بر خاتم پیامبران نازل شده و گواه و دلیل نبوت ایشان است.

ستاره ای بدرخشید و ماه مجلس شد* دل رمیده ی ما را انیس و مونس شد**

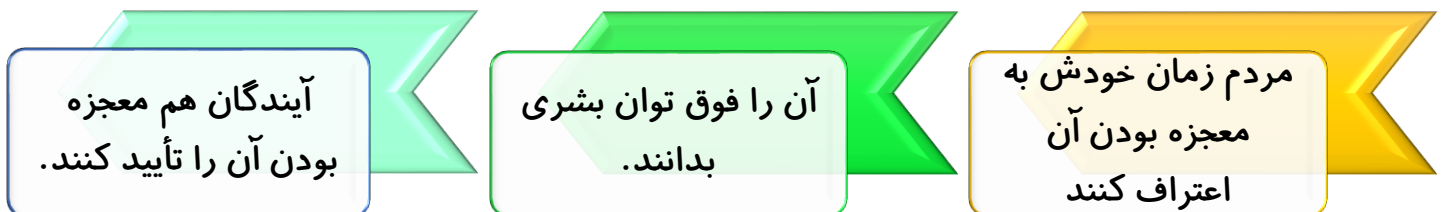
نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت* به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد**

نکات شعر: اشاره به رسالت پیامبر(ص) / اشاره به امی بودن و بی سوادی پیامبر / مسئله آموز صد مدرس بیانگر برتر بودن قرآن / هر دو بیت با آیه « وَ مَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّ بِيَمِينِكَ إِذًا لَرَتَابِ الْمُبْطَلُونَ » ارتباط دارند. هرگاه پیامبری از سوی خداوند مبعوث می شد، برای اینکه مردم دریابند که وی با خداوند ارتباط دارد و از طرف او مأمور به پیامبری شده است، کارهای خارق العاده ای انجام می داد که هیچ کس بدون تأیید و اذن خداوند قادر به انجام آنها نبود.

قرآن کریم این کارهای خارق العاده را «آیت» یعنی نشانه و علامت نبوت می خواند.

اندیشمندان اسلامی آن را معجزه می نامند زیرا عجز و ناتوانی سایر افراد در این امور آشکار می شود. معجزات پیامبران گذشته، فقط برای مردم آن زمان قابل مشاهده بود و امروز اثری از آنها باقی نمانده است.

ویژگی معجزه آخرین پیامبر الهی



از این رو، خداوند معجزه اصلی پیامبر اکرم را قرآن کریم قرار داد؛ معجزه ای از جنس «کتاب» کتابی که هیچ کس توان آوردن مانند آن را ندارد.

تحدک (مبارزه طلبی خداوند در مورد قرآن در برابر مخالفان)

خداوند به کسانی که در الهی بودن قرآن کریم شک دارند، پیشنهاد کرده است تا کتابی همانند آن را بیاورند. برای اینکه عجز و ناتوانی آنها را نشان دهد، این پیشنهاد را به ده سوره کاهش داده است. برای اثبات نهایت عجز و ناتوانی آنان، پیشنهاد آوردن حتی یک سوره مانند سوره های قرآن را هم به آنها داده است.

این دعوت به مبارزه را «تحدی» می گویند و خداوند تأکید می کند که هیچ گاه، هیچ کس نمی تواند در این مبارزه پیروز شود و همانند قرآن را بیاورد.

« قُلْ لِّئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَا كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا »

(بگو: اگر تمامی انس و جن جمع شوند تا همانند قرآن را بیاورند، نمی توانند همانند آن را بیاورند، هر چند پشتیبان هم

باشند.) (اسراء ۸۸)

مفاهیم: اشاره به تحدی / پیشنهاد به شکاکان در مورد قرآن که کتابی همچون قرآن بیاورند / ضعف و شکست تمامی مخلوقات (انسان و اجنه) در تحدی در برابر قرآن بصورت دائمی / الهی بودن قرآن / پیشگویی قرآن / جاودانه بودن قرآن و اعجاز آن / مرحله اول تحدی.

« أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ »

(آیا می گویند: او به دروغ آن قرآن را به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر می توانید یک سوره همانند آن را

بیاورید.) (یونس ۳۸)

مفاهیم: بیانگر تحدی و مبارزه طلبی توسط خداوند / اثبات نهایت عجز مخالفان و شکاکان در برابر قرآن / کافران معتقد بودند پیامبر(ص) به دروغ قرآن را به خداوند نسبت می دهد / آسان ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم آوردن یک سوره است / مرحله سوم تحدی.

مخالفان سرسخت اسلام از همان ابتدای نزول قرآن کریم تاکنون، در این باره تلاش بسیاری کرده اند تا عظمت قرآن را زیر سؤال ببرند، اما نتوانسته اند سوره ای حتی به اندازه سوره کوثر بیاورند که اندیشمندان و متخصصان زمان، برابری آن را با سوره ای از قرآن بپذیرند.

آسان ترین راه برای غیرالهی نشان دادن اسلام و قرآن کریم، آوردن سوره ای (همچون کوثر) مشابه یکی از سوره های این کتاب الهی است.

آری، از گذشته دور تا امروز، مخالفان قرآن کریم متن هایی ارائه کرده اند که برای افراد غیرمتخصص ممکن است بی عیب جلوه کند، اما تاکنون هیچ یک از این متن ها در مراکز علمی و تخصصی، مورد قبول واقع نشده است و جملگی به فراموشی سپرده شده اند.

درس چہارم - مسئولیتہاے پیامبر(ص)

پیامبر اکرم(ص)، به عنوان آخرین پیامبران الهی، به مدت بیست و سه سال با استقامت و صبری بی مانند، وظیفه سنگین رسالت را به پایان رساند. تعلیمات قرآن کریم و سیره رسول خدا(ص) نشان می دهد که ایشان به عنوان فرستاده خداوند، سه مسئولیت مهم را عهده دار بود.

مسئولیتہاے حضرت محمد (ص) بر اساس قرآن و سیره اهل بیت

دریافت و ابلاغ وحی

- دریافت وحی بدون ذره ای کم و کاست
- ابلاغ وحی به مردم و نگارش توسط کاتبان

تعلیم و تبیین تعالیم قرآن (مرجعیت دینی)

- تعلیم و تفسیر قرآن
- بیان جزئیات احکام و قوانین

اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی (ولایت ظاہری)

- سرپرستی و رهبری جامعه
- تشکیل حکومت در مدینه

✓ دریافت و ابلاغ وحی

رسول خدا(ص) آیات قرآن کریم را به طور کامل از فرشته وحی دریافت می کرد و بدون ذره ای کم یا زیاد به مردم می رساند. پیامبر اکرم این مسئولیت را به طور کامل انجام داد و همه آیات قرآن را برای مردم خواند. همچنین نویسندگانی را مأمور نوشتن قرآن نمود. عده زیادی نیز با اشتیاق، آیات قرآن را فرا می گرفتند و در سینه خود حفظ و به آن عمل می کردند. یکی از یاران پیامبر، به نام عبدالله بن مسعود می گوید: «ما ده آیه از قرآن را از پیامبر فرا می گرفتیم و بعد از اینکه در معنای آن تفکر می کردیم و به آن عمل می نمودیم، بار دیگر برای یاد گرفتن آیات بعدی، نزد پیامبر می رفتیم.»

نویسندگان قرآن را کاتبان وحی و آنان که قرآن را به خاطر سپرده و حفظ می کردند حافظان وحی می نامیدند.

اولین و برترین کاتب و حافظ قرآن کریم، حضرت علی(ع) بود.

✓ تعلیم و تبیین تعالیم قرآن (مرجعیت دینیه)

پیامبر اکرم(ص)، علاوه بر رساندن وحی به مردم، وظیفه تعلیم و تبیین آیات قرآن کریم را نیز برعهده داشت تا مردم بتوانند به معارف بلند این کتاب آسمانی دست یابند و جزئیات احکام و قوانین را بفهمند و شیوه عمل کردن به آن را بیاموزند. از این رو، **گفتار و رفتار پیامبر(ص) اولین و معتبرترین مرجع علمی برای فهم عمیق آیات الهی** است و مسلمانان با مراجعه به گفتار و رفتار آن حضرت، به معنای واقعی بسیاری از معارف قرآن پی می برند و شیوه انجام دستورات قرآن را می آموزند. ما هم اکنون، نماز، روزه، حج و بسیاری دیگر از وظایف خود را که کلیات آنها در قرآن کریم آمده است، مطابق گفتار و رفتار رسول خدا انجام می دهیم.

ایشان اولین و بزرگترین معلم قرآن بوده است.

✓ اجرای قوانین الهی با تشکیل حکومت اسلامی (ولایت ظاهره)

مسئولیت دیگر پیامبر اکرم ولایت بر جامعه است. ولایت به معنای سرپرستی و رهبری است. ایشان به محض اینکه مردم مدینه اسلام را پذیرفتند، به این شهر هجرت کرد و به کمک مردم آن شهر (انصار) و کسانی که از مکه آمده بودند (مهاجران)، حکومتی را که بر مبنای قوانین اسلام اداره می شد، پی ریزی نمود. ایشان مسجد مدینه را که در همان روزهای اول ورود به شهر ساخته شد، محل حکومت و رهبری خود قرار داد.

روایات متعددی از معصومین نقل شده است که اسلام را بر پنج پایه استوار دانسته و از میان آنها ولایت را مهم ترین پایه شمرده اند.

از جمله آنها این حدیث امام باقر(ع) است: (بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَالْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُوْدِيَ بِالْوَلَايَةِ) «اسلام بر پنج پایه استوار است: بر نماز، زکات، روزه، حج و ولایت، و به چیز دیگری دعوت نشده آن گونه که مردم به ولایت دعوت شده اند.»

نکات حدیث: اشاره به ولایت ظاهری و این نکته که در سایه ولایت اجرای سایر احکام سهل می شود / اولویت نماز بر سایر اعمال عبادی / ارتباط با آیات «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات...» «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول...» «الم تر الى الذين يزعمون انهم آمنوا...» در اهمیت ولایت.

درس پنجم - امامت، تداوم رسالت

در میان مسئولیت های سه گانه رسول خدا (ص)، مسئولیت اول، یعنی دریافت و ابلاغ وحی به مردم، با ختم نبوت پایان می پذیرد و کتاب قرآن، آخرین کتاب آسمانی است و نیازی به آوردن کتاب جدیدی نیست. اما دو مسئولیت دیگر، یعنی تعلیم و تبیین دین (مرجعیت دینی) و ولایت ظاهری پس از ایشان چه سرنوشتی پیدا می کنند؟

در این زمینه سه فرض مطرح است:

۱- **قرآن کریم و پیامبر اکرم در این باره سکوت کرده اند؛** بطلان فرض اول روشن است؛ زیرا قرآن کریم، هدایتگر مردم در همه امور زندگی است؛ و ممکن نیست نسبت به این دو مسئولیت مهم که به شدت در سرنوشت جامعه اسلامی تأثیرگذار است بی تفاوت باشد. همچنین پیامبر اکرم (ص) آگاه ترین مردم نسبت به اهمیت و جایگاه این مسئولیت هاست و نمی تواند از کنار چنین مسئله مهمی با سکوت و بی توجهی بگذرد. در حقیقت، بی توجهی به این مسئله بزرگ، خود دلیلی بر نقص دین اسلام است.

۲- **همچون مسئولیت اول، پایان این دو مسئولیت را نیز اعلام نموده اند؛** فرض دوم نیز صحیح نیست؛ زیرا نیاز جامعه به حکومت و تعلیم و تبیین دین، پس از رسول خدا نه تنها از بین نرفت، بلکه افزایش هم یافت؛ زیرا گسترش اسلام در نقاط دیگر، ظهور مکاتب و فرقه های مختلف، پیدایش مسائل و مشکلات جدید اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را به دنبال داشت و نیاز به امام و رهبری که در میان انبوه افکار و عقاید، حقیقت را به مردم نشان دهد و جامعه را آن گونه که پیامبر اداره می کرد، اداره نماید، افزون تر می شد.

علاوه بر اینکه اصولاً حکومت و اداره جامعه و تعلیم و تبیین دین، امری تمام شدنی و پایان پذیر نیست و همواره جامعه نیازمند حاکم و معلمی است که بتواند راه رسول خدا را ادامه دهد و احکام اسلام را اجرا نماید.

۳- **جانشین را تعیین نموده و دو مسئولیت مرجعیت دینی و ولایت ظاهری را بر عهده وی قرار داده اند.** تنها فرض سوم، منطقی و قابل قبول است؛ یعنی رسول اکرم به فرمان خداوند، به تداوم تعلیم و تبیین دین و دوام حکومت پس از خود به شکل امامت فرمان داده و جانشین خود را تعیین کرده است و مانع تعطیلی این دو مسئولیت شده است.



تعیین امام

از آنجا که امام همه مسئولیت های پیامبر اکرم (ص) جز دریافت و ابلاغ وحی را دارد. بنابراین، باید همان صفات و ویژگی های پیامبر را نیز داشته باشد تا مردم به وی اطمینان کنند و راهنمایی های او را بپذیرند. از جمله این ویژگی ها عصمت است. البته تشخیص عصمت برای انسان ها ممکن نیست؛ یعنی انسان ها نمی توانند تشخیص دهند که چه کسی معصوم است و مرتکب هیچ گناهی نمی شود. همان طور که پیامبر از طرف خدا معرفی و معین می شود، تنها خداوند است که می تواند فرد شایسته مقام امامت را معرفی کند، و به مردم بشناساند.

با تدبر در قرآن در آیات و روایات مطمئن و مسلم نقل شده از پیامبر و مطالعه تاریخ اسلام درمی یابیم که خداوند، امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را به جانشینی رسول خدا و امامت بعد از ایشان منصوب فرموده و نیز امامان معصوم پس از ایشان را معرفی کرده است.

برخی از آیات و روایات مربوط به این مسئله عبارتند از:



✓ آیه انذار (اخوت، وصایت و جانشینی حضرت علی)

حدود سه سال از بعثت گذشته بود که این فرمان از جانب خداوند برای پیامبر (ص) آمد:

« و أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ » (خویشان نزدیکت را انذار کن).

مفاهیم: آغاز رسمی و علنی دعوت / دعوت نزدیکان پیامبر به اسلام / بیانگر اولین اقدام پیامبر (ص) در جانشینی حضرت علی (ع) / ابتدا نزول آیه سپس بیان جانشینی / امر به معروف و نهی از منکر ابتدا از خویشان شروع می شود.

درس ششم - پیشوایان اسوه

اسوه های رهبری

رسول خدا (ص)

پیامبر اکرم پس از سیزده سال تلاش برای هدایت مردم مکه، به فرمان خداوند، حکومت اسلامی را در مدینه بنا نهاد. این حکومت، در مدت ده سال، سراسر شبه جزیره عربستان را فراگرفت. آن حضرت، در ظرف این ده سال، به گونه ای زندگی کرد که در همه زمینه های فردی و اجتماعی، از جمله در جایگاه رهبری از سوی خداوند به عنوان، الگو و اسوه انسان ها معرفی شد:

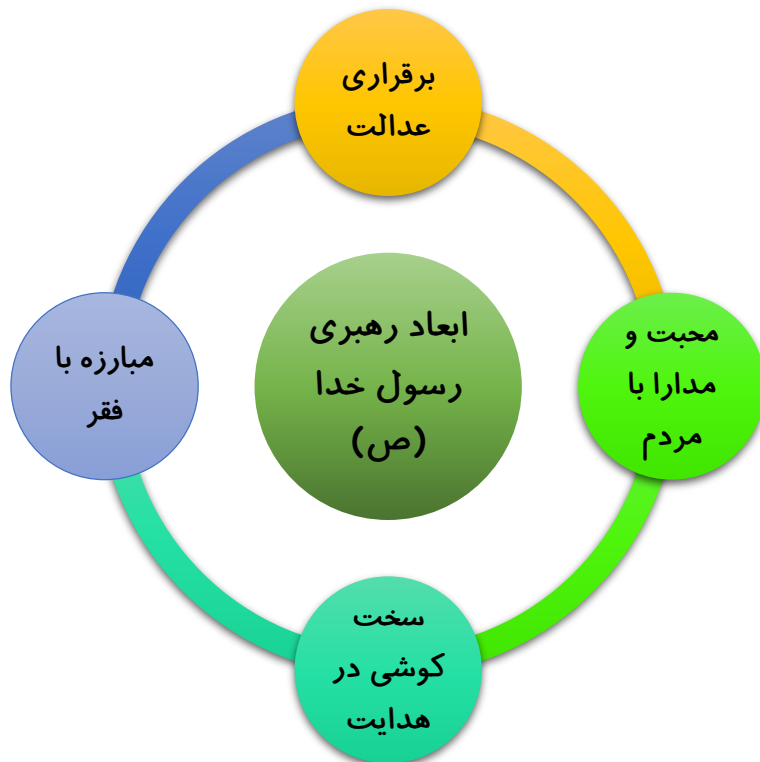
«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»

(قطعاً برای شما در رسول خدا سرمشق نیکویی است برای کسی که امید دارد به خداوند و روز رستاخیز و خدا را

بسیار یاد می کند.) (احزاب ۲۱)

مفاهیم : اسوه و الگو بودن پیامبر(ص) / الگویی نیکو در همه عصرها و برای همه انسانهاست / شرط الگو قرار دادن امید داشتن مستمر به خدا، روز قیامت و یاد خداوند است.

حضرت علی (ع) نیز وقتی حکومت را به دست گرفت، اعلام کرد من براساس دستورات قرآن و سنت رسول خدا(ص) حکومت می کنم و بر همین اساس اصلاحات مهمی را در جامعه آغاز کرد.



✓ در آیات قرآن کریم، رسول خدا (ص) به عنوان الگوی نیکو برای چه کسانی معرفی شده است؟

ریاضی خارج

۱۳۹۹

(۱) ﴿لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ﴾

(۲) ﴿لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

(۳) ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾

(۴) ﴿الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾

✓ تلاش برای برقرار کردن عدالت و برابری

یکی از اهداف مهم حکومت الهی رسول خدا اجرای عدالت بود و ایشان در این مورد با قاطعیت عمل کرد و کوشید تا جامعه عادلانه ای بنا کند که در آن از تبعیض خبری نباشد و همه در برابر قانون الهی یکسان باشند (دادگری - قسط). در جامعه آن روز حجاز و سایر کشورها، تبعیض و تفاوت طبقاتی یک قانون پذیرفته شده بود و کسی با آن مخالفت نمی کرد. آن حضرت، در آمد بیت المال را میان مسلمانان به تساوی تقسیم می کرد (مساوات) و فرقی میان عرب و غیر عرب نمی گذاشت. با همه بردباری و ملایمتی که در برابر پایمال شدن حق شخصی خود داشت، در برابر نادیده گرفته شدن حقوق افراد جامعه می ایستاد و کوتاه نمی آمد و متجاوزان حقوق مردم را در هر موقعیت و مقامی که بودند، مجازات می کرد (عدم تبعیض).

رسول خدا (ص) در مورد عدم اجرای عدالت در ملت‌های پیشین می فرماید: «اقوام و ملل پیشین بدین سبب، دچار سقوط شدند که در اجرای عدالت، تبعیض روا می داشتند؛ اگر شخصی قدرتمند و صاحب نفوذ از ایشان دزدی می کرد رهایش می کردند و اگر فردی ضعیف دزدی می کرد وی را مجازات می کردند»

نکات حدیث: بیانگر سیره عدالت در رهبری پیامبر / علل سقوط اقوام گذشته: تبعیض در اجرای عدالت / ارتباط با آیه: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات...»

رسول خدا (ص)، برای اولین بار در جامعه آن روز، برابری همه افراد در برابر قانون را اعلام کرد و عرب و غیرعرب و سیاه و سفید را برابر دانست و در مقابل تعصبات قومی و قبیله ای ایستاد. (مبارزه با نژاد پرستی)

مبارزه با نژاد
پرستی

مساوات و عدم
تبعیض

صراحت و قاطعیت
در دادگری و قسط

درس هفتم - وضعیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، پس از رحلت رسول خدا (ص)

دانستیم که مسئولیت مرجعیت دینی و ولایت و حکومت رسول خدا (ص)، پس از ایشان نیز ادامه می یابد و براساس تدبیر حکیمانه خداوند، امیرالمؤمنین و امامان معصوم از نسل ایشان جانشینی رسول خدا را برعهده گرفتند و از جانب خدا به ولایت و رهبری جامعه برگزیده شدند.

البته پس از رحلت رسول خدا حوادثی پیش آمد که باعث دور افتادن مردم از رهبری و هدایت امامان معصوم شد. این مسئله، شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی را در جامعه آن روز پدید آورد.

تدبر در قرآن

«وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ»

(و محمد نیست، مگر رسولی که پیش از او رسولان دیگری بودند. پس اگر او بمیرد یا کشته شود، آیا شما به گذشته و آیین پیشین خود بازمی گردید؟ و هرکس به گذشته بازگردد، به خدا هیچ گزند و زیانی نرساند و خداوند به زودی سپاسگزاران را پاداش می دهد.) (آل عمران ۱۴۴)

مفاهیم: جریان واحد رسالت انبیای الهی / هشدار قرآن کریم به مسلمانان درباره بازگشت به جاهلیت به عنوان مهم ترین خطر بعد از فوت پیامبر / این بازگشت هیچ ضرری به خداوند نمی رساند و همچنین کفران نعمت وجود رسول خداست / اشاره به دو گروه شکرگزاران نعمت: ۱- ثابت قدم بودن در راه اسلام بعد از فوت پیامبر؛ پاداش خداوند به این گروه ۲- مبارزه با آداب جاهلیت / وابسته نبودن دین اسلام به شخص پیامبر (ص) / ارتباط با حدیث حضرت علی (ع) «به زودی پس از من زمانی فرا می رسد که چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل...» / ارتباط با آیات تدبر در قرآن درس ۲ جریان واحد رسالت.

قرآن کریم چه پرسشی را در رابطه با واکنش مسلمانان نسبت به رحلت پیامبر خوبی ها صلی الله علیه و آله و سلم مطرح می کند و سپاسگزاران واقعی نعمت رسالت چه فرجام نیکی دارند؟ (با تغییر)

(۱) ﴿انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ...﴾ - "وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتْرٌ وَلَا ذِلَّةٌ"

(۲) ﴿أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ...﴾ - "وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهُهُمْ قَتْرٌ وَلَا ذِلَّةٌ"

(۳) ﴿انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ...﴾ - "سَيَجْزِي اللَّهُ..."

(۴) ﴿أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ...﴾ - "سَيَجْزِي اللَّهُ..."

هنر داخل

۱۳۹۰

خلاصه‌ای از رخدادهاک عصر ائمه (علیهم السلام)

پس از رحلت رسول خدا(ص) حوادثی رخ داد که رهبری امت را از مسیری که پیامبر برنامه ریزی کرده و بدان فرمان داده بود، خارج کرد و در نتیجه نظام حکومت اسلامی که بر مبنای «امامت» طراحی شده بود، تحقق نیافت و امامان معصوم با وجود حضور در جامعه، فاقد قدرت و امکانات لازم برای اجرای همه جانبه مسئولیت های خود شدند. فقط در یک دوره کوتاه چهار سال و نه ماهه، اداره حکومت به امام علی(ع) رسید و ایشان عالی ترین نمونه حکومت را عرضه کرد.

اما طولی نکشید که حکومت به دست بنی امیه افتاد. آنان کسانی بودند که سرسختانه با پیامبر اکرم مبارزه کرده بودند و فقط هنگامی تسلیم شدند که پیامبر اکرم شهر مکه را فتح کرد و آنان راهی جز تسلیم و اطاعت نداشتند. **ابوسفیان** که رهبری مشرکان را برعهده داشت، حدود دو سال قبل از رحلت پیامبر اکرم به ناچار تسلیم شد و به ظاهر، اعلام مسلمانی کرد. پسر او، **معاویه** که جنگ صفین را علیه امیرالمؤمنین به راه انداخت، در سال چهارم هجری با بهره گیری از ضعف و سستی یاران امام حسن، حکومت مسلمانان را به دست گرفت و خلافت رسول خدا را به سلطنت تبدیل کرد. معاویه، برخلاف تعهدی که به مسلمانان داده بود، یزید را جانشین خود قرار داد.

یزید هر کار زشت و ناپسندی را انجام می داد؛ احکام خداوند، مانند نماز را به بازی و سُخره می گرفت، آشکارا شراب می خورد، سگ بازی و میمون بازی، می کرد و با همان سگ و میمون، وارد مجالس می شد و آنها را کنار دست خود می نشاند... وی، نوه گرامی پیامبر(ص)، امام حسین(ع) و فرزندان و یارانش را با وضع هولناکی به شهادت رساند و خانواده ایشان را که از نوادگان پیامبر بودند، به عنوان اسیر، در شهرها گرداند.

پیشگویی آینده جامعه اسلامی توسط حضرت علی(ع)

امیرالمؤمنین علی(ع) در سخنرانی های متعدد، بارها مسلمانان را نسبت به ضعف و سستی شان در مبارزه با حکومت بنی امیه بیم می داد و می فرمود:


«سوگند به خداوندی که جانم به دست قدرت اوست، آن مردم (شامیان) بر شما پیروز خواهند شد؛ نه از آن جهت که آنان به حق نزدیک ترند بلکه به این جهت که آنان در راه باطلی که زمامدارشان می رود شتابان فرمان او را می برند و شما در حق من بی اعتنائی و کندی می کنید. به خدا سوگند، این مطلب، قلب انسان را به درد می آورد که آنها در مسیر باطل خود این چنین متحدند، و شما در راه حق، این گونه متفرق و پراکنده اید.»

نکات حدیث: پیروی از فرمان حاکم عامل پیروزی / وظیفه مردم تبعیت از حاکم / تفرقه مسلمانان علت شکست و به درد آمدن قلب مولا/ تقابل با حدیث «علی مع الحق و الحق مع علی».

آن حضرت آینده سرپیچی از دستورات امام و اختلاف و تفرقه میان مسلمانان را که موجب سوار شدن بنی امیه بر تخت سلطنت بود، می دید و آنان را از چنین روزی بیم می داد: «به خدا سوگند، بنی امیه چنان به ستمگری

درس هشتم - احیای ارزشهای راستین

در این درس می خواهیم بدانیم امامان بزرگوار در شرایط سخت پس از رسول خدا چگونه مسئولیتهای خویش را به سرانجام رساندند.

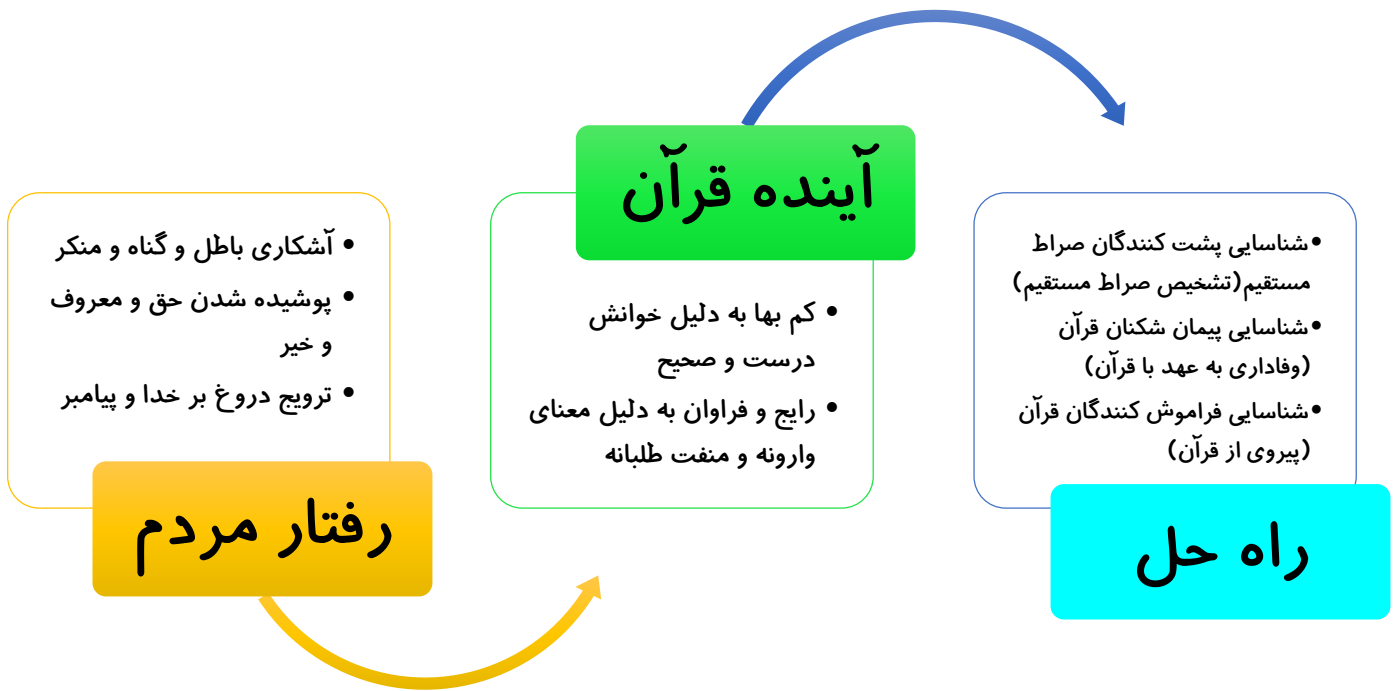
 **امیرالمؤمنین علی(ع)** وقتی رفتار مسلمانان روزگار خود را مشاهده می کرد، با روشن بینی و درک عمیقی که از نتیجه رفتارها و وقایع داشت، سرنوشت و آینده نابسامان جامعه اسلامی را پیش بینی می کرد و در زمان های مختلف و در سخنرانی های متعدد، مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم می داد. آن امام در یکی از سخنرانی ها، خطاب به مردم فرمود:

«به زودی پس از من، زمانی فرا می رسد که در آن زمان، چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و رایج تر از دروغ بر خدا و پیامبرش نباشد. نزد مردم آن زمان، کالایی کم بهتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد به درستی خوانده شود و کالایی رایج تر و فراوان تر از آن نیست، آن گاه که بخواهند به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند. در آن ایام، در شهرها، چیزی ناشناخته تر از معروف و خیر و شناخته شده تر از منکر و گناه نیست.

در آن شرایط، در صورتی می توانید راه رستگاری را تشخیص دهید که ابتدا پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی کنید و وقتی می توانید به عهد خود با قرآن وفادار بمانید که پیمان شکنان را تشخیص دهید؛ و آن گاه می توانید پیرو قرآن باشید که فراموش کنندگان قرآن را بشناسید.»

راه حل نهایی را ایشان چنین بیان می کند: «پس همه اینها را از اهلش طلب کنید. آنان اند که نظر دادن و حکم کردنشان، نشان دهنده دانش آنهاست، و هرگز با دین مخالفت نمی کنند و در دین اختلاف ندارند.»

نکات حدیث: پیش بینی حضرت علی(ع) نسبت به آینده جامعه اسلامی / نشانه های بازگشت به جاهلیت / بیان راه حل نهایی بهره مندی از عالمان دینی / ارتباط با آیه «انقلبتم علی اعقابکم...» / ولایت معنوی حضرت علی(ع).



✓ بسیاری از مسلمانان در تشخیص مسیر صحیح به خطا رفتند و حاکمان ستمگر بر آنان چیره شدند؛ لذا در بیان امیرالمؤمنین (ع) چگونه می توان راه سعادت را تشخیص داد؟

خارج ۱۳۹۶

- (۱) شکنندگان به عهد و پیمان را تشخیص دهید و پیرو قرآن باشید.
- (۲) ابتدا رهاکنندگان و پشت کنندگان به صراط مستقیم را شناسایی نمایید.
- (۳) دنباله رو شخصیت های برجسته جامعه خود باشید و آن ها را الگو قرار دهید.
- (۴) هرگز با دین مخالفت نکنید و دین در میان شما شاهی صادق و گویا است.

✓ حضرت علی (ع) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) مسلمانان را نسبت به عاقبت رفتارشان بیم داده و راجع به قرآن می فرمود: "کالایی کم بهاتر از قرآن نیست، وقتی که بخواهد و کالایی رایج تر از آن نیست آنگاه که"

تجری داخل

۱۳۹۸

- (۱) به درستی خوانده شود - به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند.
- (۲) به دلخواه افراد تفسیر شود - به صورت وارونه و به نفع دنیا طلبان معنایش کنند.
- (۳) به درستی خوانده شود - آن را راهنمای خود بدانند اما در عمل پایبند آن نباشند.
- (۴) به دلخواه افراد تفسیر شود - آن را راهنمای خود بدانند اما در عمل پایبند آن نباشند.

درس نهم - عصر غیبت

در این درس به موضوعات مهمی در مورد حضرت مهدی و عصر غیبت و دوران ظهور می پردازیم.

حضرت مهدی (عج) دوازدهمین امام ما، در سپیده دم جمعه، نیمه شعبان سال ۲۵۵ ه.ق، در سامرا متولد شد و تا سال ۲۶۰ ه.ق، در کنار پدر بزرگوارش زندگی می کرد. **امام حسن عسکری (ع)** در این مدت، ایشان را از گزند حاکمان عباسی که تصمیم به قتل وی داشتند، حفظ نمود و با آنکه در محاصره نیروها و جاسوسان حاکمان بود، ایشان را به بعضی از یاران نزدیک و مورد اعتماد خود نشان می داد و به عنوان امام بعد از خود معرفی می کرد. پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) **در سال ۲۶۰ ه.ق، امامت امام مهدی آغاز شد.** آن حضرت از ابتدای امامت خود که تاکنون ادامه دارد، دو غیبت داشته است؛ اول، غیبتی که تا سال ۳۲۹ ه.ق طول کشید (۶۹ سال) و غیبت صغری نامیده می شود.

ویژگی های غیبت صغری: امام در این دوره، با اینکه زندگی مخفی داشت، اما از طریق چهار نفر از یاران صمیمی و مورد اعتماد، پیوسته با پیروان خود در ارتباط بود و آنان را رهبری می کرد. این چهار شخصیت بزرگوار به نواب اربعه یا نواب خاص معروف اند.

غیبت کبری: شش روز مانده به درگذشت آخرین نایب، امام عصر برای ایشان نامه ای نوشت و فرمود به فرمان خداوند، پس از وی جانشینی نیست و مرحله دوم غیبت آغاز می شود. به دلیل طولانی بودن این دوره از غیبت، آن را غیبت کبری می نامند.

<ul style="list-style-type: none"> • آغاز ۲۶۰ هجری تا ۳۲۹ هجری (۶۹ سال) • ارتباط با پیروان از طریق نواب اربعه یا خاص 	<p>غیبت صغری</p>
<ul style="list-style-type: none"> • آغاز ۳۲۹ هجری تا کنون • نایب خاص وجود ندارد 	<p>غیبت کبری</p>

غیبت امام مهدی (عج)

خداوند نعمت **هدایت** را با وجود **امامان** تمام و کامل گردانیده و راه رسیدن به رستگاری را برای انسانها هموار ساخته است. پیامبر اکرم، خود و امام علی را پدران امت معرفی فرموده است و روشن است که دلسوزی پدر برای فرزندان خود قابل توصیف نیست. اما فرزندان ناسپاس (مردم)، قدر پدران مهربان (امامان) خود را نشناختند و چنان در مسیر گمراهی پیش رفتند که یازده تن از رهبران آسمانی خود را شهید کردند. (ارتباط با حدیث «حال کسی که به امام خود دسترسی ندارد، سخت تر از حال یتیمی است...» / مسئولیت منتظر، تقویت محبت و معرفت به امام)

عاملان شهادت امامان

درست است که **حاکمان بنی امیه و بنی عباس**، ظالمانه و غاصبانه حکومت را به دست گرفته بودند و **عاملان اصلی** به شهادت رساندن امامان بودند، اما بیشتر **مردم** تسلیم این حاکمان شده بودند و با آنان مبارزه نمی کردند و وظیفه **امر به معروف و نهی از منکر** را انجام نمی دادند. اگر مردم آن دوره با این حاکمان ظالم، مبارزه می کردند، خلافت در اختیار امامان قرار می گرفت و آن بزرگواران، بیش از پیش مردم را به سوی توحید و عدل فرامی خواندند و جامعه بشری در مسیر صحیح کمال پیش می رفت.

علت غیبت امام

سخت گیری حاکمان بنی عباس نسبت به امام دهم و یازدهم تا حدی شدت یافته بود که آن بزرگواران را در محاصره کامل قرار داده بودند؛ زیرا آنان از اخباری که از پیامبر اکرم و سایر امامان رسیده بود، مطلع بودند.

پیامبر اکرم (ص) درباره دوازده جانشین خود با مردم سخن گفته بود و امام مهدی را به عنوان آخرین امام و قیام کننده علیه ظلم و برپا کننده عدل در جهان معرفی کرده بود (حدیث جابر). امیرالمؤمنین علی (ع) و سایر امامان نیز از آن حضرت و مأموریتی که از جانب خدا دارد، یاد کرده بودند. به همین دلیل، حاکمان بنی عباس درصدد بودند مهدی موعود را به محض تولد، به قتل برسانند.

از این رو، خداوند آخرین ذخیره و حجت خود را از نظرها پنهان کرد تا امامت در شکلی جدید و از پس پرده غیبت ادامه یابد و تا فراهم آمدن شرایط برای تشکیل حکومت جهانی از نظرها پنهان باشد. این غیبت آن قدر ادامه می یابد که نه تنها مسلمانان، بلکه جامعه انسانی شایستگی درک ظهور و بهره مندی کامل از وجود آخرین حجت الهی را پیدا کند (استمرار امامت).

امام علی (ع) می فرماید: «زمین از حجت خدا (امام) خالی نمی ماند. اما خداوند، به علت ستمگری انسانها و زیاده رویشان در گناه، آنان را از وجود حجت در میانشان بی بهره می سازد.»

نکات حدیث: علت غیبت حجت از دیدگاه حضرت علی (ع): ستمگری انسانها و زیاده روی در گناه / ارتباط با آیه «ذلک بَانَ اللّٰهَ لَمْ یَکْ مُغَیَّرًا نِعْمَةً اَنْعَمَهَا عَلٰی قَوْمٍ حَتّٰی یُغَیِّرُوْا مَا بِاَنْفُسِهِمْ» / هدایت انسانها از طریق حجت الهی.

✓ معرفی امام مهدی (عج) به عنوان آخرین امام و قیام کننده علیه ظلم و برپاکننده عدل در جهان توسط پیامبر اکرم (ص) چه پیامدی داشت؟

تجربی داخل

۱۳۹۹

۱) حاکمان بنی عباس درصدد بودند موعود را به محض تولد به قتل برسانند.

۲) خداوند آخرین حجت خود را از نظرها پنهان و مردم را از وجودش محروم کرد.

۳) این غیبت آن قدر ادامه یابد تا مردم مسلمان بتوانند بهره مندی کامل از وجود ایشان پیدا کنند.

۴) سخت گیری حاکمان بنی عباس نسبت به امامان تا حدی شدت یافته بود تا ظهور به تأخیر بینجامد.

درس دهم - مرجعیت و ولایت فقیه

آئمه اطهار به عنوان حجت های خدا در روی زمین، مسئولیت های ولایت ظاهری و مرجعیت دینی پیامبر(ص) را برعهده گرفتند و در همین راستا، به ارشاد و هدایت مردم برخاستند و برای برپایی حکومت الهی و اقامه قسط و عدل، جهاد و مبارزه کردند.

تدبر در قرآن

«وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ، لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ»

(و نمی شود که مؤمنان، همگی اعزام شوند، پس چرا از هر گروهی، جمعی از آنها اعزام نشوند تا دانش دین را [به طور عمیق] بیاموزند و آن گاه که به سوی قوم خویش بازگشتند، آنها را هشدار دهند، باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.)
(توبه ۱۲۲)

مفاهیم: قرآن کریم دستور کسب فهم عمیق در دین را برای عده ای می دهد «فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ» / فهم عمیق دین واجب کفایی است (وظیفه همگان نیست) / فقط کسانی می توانند اقدام به تبلیغ دین نمایند که دانش عمیق در دین داشته باشند / آموختن دین در هر دوره ای لازم و ضروری است / این هشدار مربوط به انجام واجبات و پرهیز از محرمات است / وظیفه عالمان هشدار به مردم نسبت به عواقب کارهای خلاف شرع است / باز بودن مسیر هدایت الهی حتی در دوران غیبت / دو هدف سفر واجب دینی: اول کسب دانش دینی، دوم آموزش دین / اشاره به مسئولیت مرجعیت دینی.

✓ با توجه به آیات قرآن کریم، ثمره هجرت گروهی از مؤمنان با هدف تفقه برای مردم چیست؟

خارج ۱۳۹۶

(۱) ﴿لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾

(۲) ﴿لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ﴾

(۳) ﴿وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾

(۴) ﴿وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾

ضرورت تداوم مسئولیت های امام در عصر غیبت

از آنجا که دین اسلام همیشگی و برای همه دوران هاست، ضروری است که این دو مسئولیت یعنی مرجعیت دینی و ولایت ظاهری در عصر غیبت ادامه یابد؛ زیرا:

۱- اگر مرجعیت دینی ادامه نیابد، یعنی متخصصی نباشد که احکام دین را بداند و برای مردم بیان کند و پاسخگوی مسائل جدید مطابق با احکام دین نباشد، مردم با وظایف خود آشنا نمی شوند و نمی توانند به آن وظایف عمل کنند.

۲- اگر ولایت ظاهری ادامه نیابد و حکومت اسلامی تشکیل نشود، نمی توان احکام اجتماعی اسلام را که نیازمند مدیریت و پشتوانه حکومتی است، در جامعه به اجرا درآورد.

راهکار پیامبر و امامان برای عصر غیبت

در زمان ائمه، مردمانی در شهرهای دوردست بودند که به امامان دسترسی نداشتند و نمی توانستند احکام دین را از ایشان بشنوند و از فرمان های آنان مطلع شوند. از ای نرو، آن بزرگواران دانشمندانی را تربیت می کردند که در حدّ توان به معارف و احکام دین دست یابند. این دانشمندان به نقاط مختلف شهر خود و یا شهرهای دیگر می رفتند و احکام اسلام را به مردم می آموختند. اگر مردم نیز پرسشی داشتند، آنان براساس دانشی که از قرآن کریم و روایات داشتند، به آن پرسش پاسخ می دادند.

این روش، برگرفته از قرآن کریم است. خداوند در قرآن کریم دستور می دهد گروهی از مردم، وقت و همت خود را صرف شناخت دقیق دین کنند و به تفقه در آن پردازند تا پس از کسب علم به شهرهای خود بروند و قوانین اسلام را به مردم بیاموزند.

تفقه، به معنای تلاش برای کسب معرفت عمیق است.

افرادی که به معرفت عمیق در دین می رسند و می توانند قوانین و احکام اسلام را از قرآن و روایات به دست آورند، فقیه نامیده می شوند. مسلمانان وظیفه دارند در زمان غیبت امامان یا عدم امکان دسترسی به ایشان، به این فقیهان مراجعه کنند.

✓ باتوجه به پیام کدام آیه شریفه، امامان دانشمندانی را تربیت می کردند تا به شهرهای دوردست که خودشان حضور نداشتند، بروند و احکام اسلامی را به آنان بیاموزند؟

هنر داخل

۱۳۹۵

۱) ﴿ وَ نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾

۲) ﴿ وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً، فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ، لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ ﴾

۳) ﴿ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ﴾

۴) ﴿ وَعَدَالِلُهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ، كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ﴾

لزوم مراجعه به فقیهان براساس احادیث اهل بیت(ع)

پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «حال کسی که از امام خود دور افتاده و به او دسترسی ندارد، سخت تر از حال یتیمی است که پدر را از دست داده است؛ زیرا چنین شخصی، در مسائل زندگی، حکم و نظر امام را نمی داند. البته اگر یکی از پیروان ما که به علوم و دانش ما آشناست، وجود داشته باشد، باید دیگران را که به احکام ما آشنا نیستند، راهنمایی کند و دستورات دین را به آنها آموزش دهد. در این صورت، او در بهشت با ما خواهد بود.»